

## متن اصلی

### زندگی

فردی به یک آبادی رسید و بسیار گرسنه بود درب منزلی را زد و طلب غذا کرد و اهل آن خانه به او کلمی دادند، آن فرد که تا به حال کلم ندیده بود به گمانش که کلم نوعی میوه است و باید پوست آن را بکند تا به میوه‌اش برسد و شروع به کندن برگ‌های کلم کرد هر برگی را که میکند یک برگ دیگر در زیر آن مانند همان اولی قرار داشت احساس کرد که این یک میوه‌ی با ارزش است پس باید دوباره برگ‌های آن را بکند تا به میوه برسد این بار سریعتر برگ‌ها را کند و دور انداخت تا اینکه کلم تمام شد تازه متوجه شد که همان برگ‌ها میوه بوده‌اند و به جای دور ریختن باید از آنها استفاده میکرده برای رفع گرسنگی. حکایت زندگی روزانه‌ی ماست که مدام روزها را مانند برگ کلم ورق میزنیم و دور میریزیم که زودتر به آنچه که می‌خواهیم برسیم اما متوجه نیستیم که زندگی همین روزهاست که به سادگی از دست می‌دهیم ولی مدام به فکر فردا و فرداها هستیم که دنیا بر وفق مراد ما پیش رود در همین روزهاست که میتوان قدم به قدم در جهت اهداف حرکت کرد تا به نتایج دلچسبی برسید. زندگی مجموعه‌ای از ارزشها باورها انتخاب‌ها و تصمیمات عملی شده ماست .

ارزش یعنی هر چیزی که برای ما مهم است. مسیر زندگی هر کسی بر اساس ارزش‌ها و اولویت‌های ارزشی او مشخص میشود. ارزش‌ها ملاک‌هایی هستند که بر اساس آنها فرد بارها افکار و باورهایش را ارزیابی میکند.

اگر هدف خاصی در زندگی نداشته باشیم و ندانیم هدفمان در زندگی چیست تقریباً عمرمان بیهوده خواهد گذشت و هیچ تلاشی در جهت رسیدن به اهداف نخواهیم

کرد. با تعیین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت به خود آرمانی‌مان نزدیکتر و بلاخره به آن میرسیم.

قدم‌هایتان را طوری بردارید که احساس شادمانی در شما ایجاد شود نه با بی‌حالی و بی‌حوصلگی بلکه با انرژی بالا و امید قدم بردار. زندگی در یکی یا دو تا هدف خلاصه نمیشود و پایان هر هدف آغاز هدفی دیگر است. یعنی زندگی در اهداف ما خلاصه میشود؟ وقتی قدم‌هایتان را محکم بردارید و استوار بایستید و از هر قدمی لذت ببرید احساس قدرت میکنید و اعتماد به نفس بالایی خواهید داشت و درمیابید که هدف اصلی زندگی چیزی جز شادمانی و لذت بردن نیست. شاد باش و شاد زندگی کن، به مسخره کردن دیگران و حرف و قضاوت‌های آنها بی‌توجه باش. وقتی ذهن شما اینقدر بیدار شده که حالا میتوانید به خوبی راه را از چاه تشخیص دهید دیگر کاری به مردم و جماعت نداشته باشید.

## ویرایش متن

### زندگی

فردی به یک آبادی رسید و بسیار گرسنه بود. در منزلی را زد و غذا طلب کرد. اهل خانه به او کلم دادند. آن فرد که تا به حال کلم ندیده بود؛ گمان کرد کلم یک نوع میوه است و باید پوست آن را بکند تا به میوه‌اش برسد. شروع کرد به کندن برگ‌های کلم. هر برگی می‌کند، یک برگ مانند همان اولی زیر آن بود. احساس کرد میوه‌ی بالارزشی است و باید باز برگ‌های آن را بکند تا به میوه برسد. این بار سریع‌تر برگ‌ها را کند و دور انداخت تا کلم تمام شد. تازه متوجه شد همان برگ‌ها میوه بودند و باید به جای دور ریختن، آنها را می‌خورد. حکایت زندگی روزانه‌ی ماست که مدام روزها را مانند برگ کلم ورق می‌زنیم و دور می‌ریزیم تا زودتر به آنچه می‌خواهیم

برسیم؛ اما متوجه نیستیم، زندگی همین روزهایی است که ساده از دست می‌دهیم. ما مدام به فکر فردا و فردهایی هستیم که دنیا بر وفق مرادمان پیش برود. غافلیم همین روزها می‌توانیم قدم به قدم در جهت رسیدن به اهدافمان حرکت کنیم تا به نتایج دلچسبی برسیم. زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و انتخاب‌های عملی شده‌ی ماست.

ارزش یعنی همه‌ی مواردی که برای ما مهم است. مسیر زندگی ما بر اساس ارزش‌ها و اولویت‌هایمان مشخص می‌شود. ارزش‌ها، ملاک‌هایی هستند که بر اساس آنها باورهایمان را ارزیابی می‌کنیم. اگر هدف خاصی نداشته باشیم؛ عمرمان بیهوده خواهد گذشت. با تعیین اهداف کوتاه مدت و بلند مدت به خودِ آرمانی‌مان نزدیک‌تر می‌شویم و بالاخره به آن می‌رسیم.

باید با انرژی زیاد و امید قدم برداریم تا احساس شادمانی کنیم، نه با بی‌حالی و بی‌حوصلگی. زندگی در یک یا دو هدف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه پایان هر هدف، آغاز هدف دیگری است. یعنی زندگی در اهداف ما خلاصه می‌شود؟ وقتی قدم‌هایمان را محکم برداریم و از هر قدمی لذت ببریم، احساس قدرت می‌کنیم. به مرور درمی‌یابیم هدف اصلی زندگی چیزی جز شادمانی نیست؛ اینکه شاد باشیم و شاد زندگی کنیم و به تمسخر و قضاوت‌های دیگران بی‌توجه باشیم. اگر با ما همراه شوید و به پرسش‌های بالا پاسخ بدهید؛ ذهن شما آن قدر بیدار می‌شود که به خوبی راه درست را تشخیص می‌دهید و دیگر کاری به دیگران ندارید.